

برگردان : ح. حارث

بر گرفته از نشریه: J.W

مشى تغییر میکند

**اسرائیل خود را به ایالات متحده امریکا به مثابه مهمترین تضمین کننده امنیت ملی
آنکشور، متکی میسازد.**

ایالات متحده خود را وارث جدید مصر قدیم میداند. این وارث جدید پُر طنطنه است ، ثروتمند است و نیرومند، از لحاظ اقتصادی و فرهنگی قدرتمند: سلطان امریکا بالای جهان مسلط است مانند فرعون پادشاه مصر، که زمانی بالای مناطقی سامی حاکمیت داشت. ایالات متحده مانند دیگر قدرت های حاکم جهانی علاقمند نظم جهانی است و مدافع وضع موجود بر ضد تمام نیرو های در حال رشد جهان.

بنا بر این اسراییل ، به ایالات متحده بـمـثـابـه مهمترین تضمین کننده امنیت ملی خویش نگاه میکند. هیچگونه اسلحه و تجهیزات و اشغال مناطق نمی تواند جانشین پیوند گردد ، که اسراییل و واشنگتن را با هم میپیوندد، پیوندی که در جهان امروزی نظیر آن دیده نشده است، بلی شاید هم نی یکبار در تاریخ.

این پیوند بعد ایدیولوژیکی دارد : هر دو دولت از مهاجرین نواحی دور دست تأسیس گردیده ، سرزمینی را اشغال و اهالی بومی آنرا بیرون راندند. هر دو به این عقیده است که خداوند آنها را برگزیده و سرزمین مورد نظر را در اختیار شان گذاشته است. هر دو موفق شدند در آغاز پُلی از جمجمه ها بسازند و مارش تاریخی را که بدون مقاومت صورت بگیرد از آنجا به راه اندازند. امریکایی ها از «بحر تا بحر» و اسراییلی ها از «بحر تا دریای اردن» .

این پیوند بُعد استراتژی یک دارد: اسرائیل نیازمبرم زنده گی امریکا یعنی تسلط بالای نفت شرقمیانہ را تأمین میکند، امریکا حکومت اسرائیل را کمک میکند که اینکشور تا اردن توسعه یابد و قیامهای مردم محل را سرکوب کند.

این پیوند بُعد سیاسی دارد : امریکا نفوذ زیاد بالای یورسلیم دارد، و همچنان اسرائیل نفوذ قوی بالای ایالات متحده. این نفوذ ناشی از موجودیت یک میلیون یهودی میباشد که ۱۰۰ سال قبل به ایالات متحده مهاجرت نموده اند. آنها در ایالات متحده جمعیتی قدرتمند و سازمان یافته را ایجاد نموده اند. همکاری لابی های یهود - صهیونیست و بنیادگرایان عیسوی که از حقوق یهودیان دفاع میکنند ، بسیار گسترده میباشد.

طوریکه یکتعداد باور دارند ، نفوذ آنها بی چون و چرا نیست. بطور مثال ، زمانیکه یورسلیم تصمیم گرفت هواپیمای اکتشافی را با قیمت گزاف بالای چین به فروش برساند (مباحث صنایع اسرائیلی) واشنگتن اسرائیل را مجبور ساخت از این معامله دست بر دارد. که این امر در روابط اسرائیل و چین صدمه شدید وارد آورد.

قرن بیست را میتوان « سده امریکایی » نامید . در آغاز سده بیست ایالات متحده در حاشیه سیستم جهانی قرار داشت. در پایان سده بیستم به یگانه قدرت جهانی تبدیل شد، آخرین فرمانده کل . یکی از پروفیسور های «فاضل» تا آنجا پیش رفت که در مورد توهم «پایان تاریخ» تحت پاسداری ایالات متحده سخن راند.

سده ۲۱ نمیتواند « سده امریکایی ها » باشد. میتوان سقوط آهسته و پی در پی موقعیت ایالات متحده را پیشبینی کرد. اروپا بصورت آهسته ولی مطمئن متحد میگردد، و قدرت اقتصادی آن پیوسته رشد می یابد. روسیه بار دیگر به یک قدرت تبدیل میشود ، بیش از همه ذخایر بزرگ نفت و گاز نقش مهمی را بازی میکنند. مهمتر از همه : رهبری اقتصادی دو کشور بزرگ چین و هندوستان، به سرعت رو به صعود است.

احتمالاً اتفاق غیر منتظره صورت نخواهد گرفت ، ایالات متحده مانند اتحاد شوروی بطور ناگهان از هم نخواهد پاشید، مانند بُشکه بزرگ خالی. ایالات متحده مانند آلمان نازی شکست بزرگی را متحمل نخواهد شد، این جاه طلبی های دیوانه وار نظامی ایالات متحده بر پایه قوی اقتصادی بنا یافته است. اما قدرت نسبی ایالات متحده در یک پروسه اجتناب ناپذیر با آهستگی افول میکند.

ایالات متحده به عراق حمله کرد تا ذخایر عمده نفت شرقمیانہ را در دست داشته باشد و حضور دوامدار نظامی خویش را در منطقه به کرسی نشاند. طوریکه انتظار میرفت حال در باتلاق عراق در حال غرق شدن است. اما کشوری مانند ایالات متحده که شکست ننگین در ویتنام را پشت سر گذاشت ، شکست در عراق را نیز جبران خواهد کرد.

اما شکست های کوچک به شکست نهایی خواهد انجامید. جنگ پرستیژ، اعتماد به نفس و حرمت اخلاقی امریکا را (گوانتانامو، ابوغریب) شدید صدمه زده است.

زمانی بود که ایالات متحده مورد تحسین مردمان محل قرار میگرفت، اما امروز افکار عامه جهان نشان میدهد که ایالات متحده مورد نفرت اکثر کشورهای پراهمیت جهان قرار گرفته است. کوهی گناه های غول آسای ایالات متحده ، گواهی خراب میدهد.

www.ayenda.org